

صاحب‌امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی- **مدیرمسئول:** محمدامین ایمانچانی
دفتر مدیرمسئول: ۰۱۶-۶۶۲۴۸-۱۱۸۲ - **تعمیریه:** ۰۱۸-۶۶۲۶۱-۰۵۰۱-۶۶۲۴۸-۰۴۶۱۸
روابط عمومی: ۰۴۹۹-۶۶۲۶۱ - **سازمان آگهی‌ها:** ۰۱۸-۶۶۲۴۸-۰۴۶۱۸
چاپ: سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی - **توزیع فرهیختگان:** ۰۱۱-۶۶۲۴۸-۰۱۱۰۱۲
نشانی: خیابان حافظ، بعد از پل دوم حافظ، روبه‌روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

یادداشت

پیش از دبستان هم قربانی خصوصی‌سازی

مجتبی جهان تیغ فعال اجتماعی سیاست‌های اقتصادی سه دهه اخیر کشور بوده است. از سال ۶۸ تاکنون اجرای سیاست‌های نولیبرالی تعدیل ساختاری اخذشده از صندوق بین‌المللی پول در کشور با محوریت خصوصی‌سازی خدمات و کالاهای دولتی در کنار خصوصی‌سازی صنایع دولتی در دولت‌های متوالی به صورت جدی پیگیری و اجرا شده است. مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین تحول و سیاست سه دهه اخیر آموزش و پرورش نیز که نقدهای زیادی را برانگیخته است، سیاست خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و کالایی‌سازی آموزش بوده است. به‌طوری که طبق گزارش بانک جهانی که در سال گذشته منتشر شد، ایران رتبه اول بیشترین رشد خصوصی‌سازی مدارس را در جهان کسب کرده است. سیاستی که از نشانه‌های مهم گسترش نئولیبرالیسم در کشور و کالایی‌سازی خدمات اجتماعی پایه‌وبازسازی تأمین آنهاست. نقدها و اعتراض‌ها به روند کالایی‌سازی آموزش بیشتر در حوزه دوره آموزش رسمی ماقبل کنکور، کنکور و تحصیلات دانشگاهی است؛ چرا که این مراتب مربوط به گروه‌های جوان فعال و دارای کنش اجتماعی و سیاسی در جامعه (دانش‌آموزان و دانشجویان) است و آنها با استفاده از رسانه‌ها و تشکل‌های حقوقی خود می‌توانند صدای نقد و اعتراض‌شان را منتشر کنند اما در مقابل مغفول‌ترین و بی‌صداترین قشر جامعه کودکان هستند، آن‌هم به این دلیل که مستقیماً توانایی مطالبه حقوق خود را ندارند و دارای رای و منشاء اثر سیاسی هم نیستند بنابراین هیچ‌گاه مخاطب و اولویت سیاست‌یون رسانه‌ها نبوده‌اند، درحالی که با پیشرفت علوم مشخص شد سال‌های ابتدایی زندگی در تعیین سرنوشت و ایجاد قابلیت‌ها و توانایی و ساخت آینده کیفیت زندگی اثرگذار است، مطالعات گسترده‌ای در این رابطه در سطح جهان انجام شده و با توجه به نتایج و تأیید اهمیت کودکی در ساخت جامعه شایسته، امروزه سرمایه‌گذاری بر کودک و ایجاد شرایط بهینه رشد و پرورش کودکان و آموزش با کیفیت و عمومی و رایگان و فراگیر پیش‌دبستانی را هر دو مهم و استراتژیک و کلیدی در توسعه و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور هاست و گذران دوران کودکی با کیفیت و شرایط رشد و پرورش مناسب همگانی سنگ‌بنای تحقق عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر و کاهش نابرابری در جامعه است. هم‌اکنون پیششار این سرمایه‌گذاری بر کودکی کشورهاى حوزه نوردیک (سوئد، فنلاند و سوئیس و...) هستند؛ کشورهایی که بالاترین شاخص‌های عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی و طول عمر و کمترین نابرابری را هم دارا هستند. بنابراین شرط تحقق عدالت و پیشرفت در کشور توجه به کیفیت دوران کودکی و سرمایه‌گذاری و توجه ویژه حاکمیت و نهادهای دولت، مجلس، رسانه‌ها، خانواده‌ها و... است، آن‌هم در کشوری با انقلاب و نظامی با آرمان تحقق حداکثری عدالت اجتماعی.

کیفیت دوران کودکی مبتنی بر حقوق کودک (حق بقا و سلامت و تغذیه مناسب، محیط ایمن بدون خشونت محیطی و فیزیکی و روانی، حق آموزش، حق محافظت، هویت) و نیازهای آن است. درباره کم و کیف وضعیت کودکان استان سیستان و بلوچستان و سایر استان‌های محروم در حوزه‌های فوق‌الذکر مطلب بسیار است؛ متأسفانه مطالبی که رضایت‌بخش نیست و مانند بسیاری از شاخص‌های استان در قعر جدول رتبه‌بندی‌های استان ها قرار دارد. در این یادداشت‌اجماله به نقش روند روبه‌شد خصوصی‌سازی آموزش پیش‌دبستانی می‌پردازیم. مسائلی که به تحقق عدالت اجتماعی ضربه می‌زند و با سرنوشت کودکان این کشور بازی می‌کند و تأثیر منفی آن عدم دسترسی کودکان از آموزش پیش‌دبستانی مستقیماً تأثیر بر سرنوشت و کیفیت زندگی آنها در آینده دارد. به‌طور کلی استان سیستان و بلوچستان با توجه به شرایط برجیع خود و فاصله از میانگین کشوری در شاخص‌های توسعه و امکانات نیازمند تدوین سیاست‌ها و بسته‌های حمایتی مخصوص به خود است، به‌ویژه برای کودکان. در استانی که فقر و محرومیت و شرایط زیست محیطی و بهداشتی بسیار زیانبار، چون ریزگردها، بدمسکنی و زائغه‌نشینی صدها هزار نفر از جمعیت استان و زندگی در محیط‌های بسیار آلوده و آنباشسته از زباله و فاضلاب و فقر غذایی و سوءتغذیه ۲۰ درصدی کودکان استان و فقر مادران و حتی بی‌سوادی مادران و ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل دختران و بیکاری و فقر والدین و نیز تورم مستمر دورقمی طی دهه‌ها و کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت مواد غذایی و هزینه‌های دارو و درمان همه و همه بستر ناگواری را برای کودکان ترسیم می‌کند، مداخلات دولت باعث شکست این شبکه علل محرومیت را و ایجاد نابرابری در استان نشده است. ازجمله این مداخلات اثرگذار بر آموزش پیش‌دبستانی رایگان و دولتی است. سیاستی که به صورت عکس به صورت خصوصی‌سازی دولتی کردن و کالایی کردن آموزش پیش‌دبستانی درحال اجرا و گسترش است. قطعا در استانی که عمده مردم در دهک‌های پایین درآمدی کشورند و در تأمین نیازهای اساسی چون خوراک و پوشاک و مسکن دچار مشکلات عدیده هستند، خانواده‌ها از هزینه‌های آموزشی چون آموزش پیش‌دبستانی کسر کرده و به تحصیلات حداقلی بسنده می‌کنند. پولی کردن آموزش پیش‌دبستانی و سایر مقاطع به قیمت عدم دسترسی کودکان استان سیستان و بلوچستان و همه مناطق محروم و طبقات کم‌درآمد کشور تمام می‌شود و این خلاف عدالت اجتماعی است. مطالعه استانی در تبعات این سیاست در استان موجود نیست و اما مطالعات کشوری گویا روند مخرب این سیاست‌ها در دسترسی کودکان به آموزش عمومی پیش‌دبستانی است. در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ آن حذف سیاست‌های حمایتی دولت تعداد دانش‌آموزان دوره آمادگی از ۴۷۵۳۹۵ نفر به ۴۵۹۰۱۷ نفر کاهش یافت. (مرکز آمار ایران ۹۱) در سال ۳۵۸۵ درصد مراکز پیش‌دبستانی غیردولتی بود اما در سال ۹۰-۹۱ حدود صد درصد آنها غیردولتی شدند. (میسوس کمدیونسکو ۹۴) در سال ۸۵ دانش‌آموزان ورودی به پایه اول ابتدایی که دوره پیش‌دبستانی را گذرانده‌اند ۴۳ درصد بود که بعد از اجرای سیاست خصوصی‌سازی آموزش پیش‌دبستانی این میزان به ۳۱ درصد کاهش یافت. بنابراین با این تفاسیر و اطلاعات و آمار موجود تجدید نظر در اجرای این سیاست‌ها به‌ویژه برای مناطق و استان‌های محروم قویا پیشنهاد می‌شود.

فرزاد نوشیب‌های بسیار، تیرماه ۹۸، در چهل‌وسومین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در باکو آذربایجان، با موافقت اعضای کمیته بررسی، این جنگل‌ها به نام ایران در فهرست میراث جهانی قرار گرفت تا بیست‌و چهارمین اثر تاریخی و طبیعی ایران در فهرست جهانی یونسکو باشد و افتتاحی برای ایرانی قلمداد شود. از همان روزها، یعنی تیرماه و قبل و بعد از آن بی‌مهری‌ها به این منطقه و بی‌توجهی‌ها به تلاش‌های طولانی و مفید فعالان محیط‌زیست به طرق مختلف انجام شد و ادامه یافت و از جدیدترین این اقدامات آسیب‌زننده به منابع طبیعی، قرار است احداث تله کابین در این محدوده ثبت جهانی هیرکانی را به خطر بیندازد.

بعد عده‌ای برای مثلاً ایجاد جاذبه گردشگری و این‌جور چیزها، برای آن دندان تیز کنند و این اعتبار به دست آمده بین‌المللی را در معرض خطر قرار دهند. هر بار که به این مساله فکر می‌کنم متعجب می‌شوم، همان هفته پیش که خبر را خواندم تا همین امروز که جدی شد واقعا فکرش را نمی‌کردم عده‌ای بخواهند برای احداث تله کابین در جنگل‌های هیرکانی به ثبت جهانی آن پشت کرده و الزامات حفظ این ثبت را به منزله محدودیت طرح کنند و به این و آن نامه بزنند که این محدودیت‌ها رفع شود تا بتوانند در یک میراث جهانی تله کابین ایجاد کنند!

فرزاد نوشیب‌های بسیار، تیرماه ۹۸، در چهل‌وسومین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در باکو آذربایجان، با موافقت اعضای کمیته بررسی، این جنگل‌ها به نام ایران در فهرست میراث جهانی قرار گرفت تا بیست‌و چهارمین اثر تاریخی و طبیعی ایران در فهرست جهانی یونسکو باشد و افتتاحی برای ایرانی قلمداد شود. از همان روزها، یعنی تیرماه و قبل و بعد از آن بی‌مهری‌ها به این منطقه و بی‌توجهی‌ها به تلاش‌های طولانی و مفید فعالان محیط‌زیست به طرق مختلف انجام شد و ادامه یافت و از جدیدترین این اقدامات آسیب‌زننده به منابع طبیعی، قرار است احداث تله کابین در این محدوده ثبت جهانی هیرکانی را به خطر بیندازد.

یک‌بار با آفرود، یک‌بار با طرح انتقال آب و حالا هم احداث تله‌کابین

چند وقت پیش یک کار عجیب و غریب دیگر (رژه آفرودی‌ها) هم به نام جشن و پاسداشت ثبت جنگل‌های هیرکانی و به رسم تخریب و آسیب به آن در شرف برگزاری بود. آن موقع هم مثل همین روزها باورمان نمی‌شد که با تخریب طبیعت و حمله به جنگل‌های هیرکانی قصد جشن و پاسداشت و تقدیر از این اتفاق مبارک جهانی را داشته باشند. اما خب پوست‌ها منتشر می‌شد و انگار آن هم مثل همین احداث تله کابین امری واقعی بود و در شرف اجرا، خلاصه دست به قلم شدید و با این طرف و آن طرف تماس گرفتیم و نوشتیم که ایها الناس، مردم، عاشقان آفرود و ماشین‌سواری در طبیعت و جنگل و بیابان، با این کار جشن نمی‌گیرید و به پاسداشت طبیعت نمی‌روید، فقط به یک میراث جهانی حمله می‌کنید. حالا هم همان است و این بار نه با چرخ‌های بزرگ و بی‌رحم آفرود، بلکه با پایه‌های فلزی و بتن‌ریزی و سیم‌کشی‌های تله کابین و حواشی اش قصد تخریب دارند. همان روزها با بهمین ایزدی، فعال محیط‌زیست و از بنیان ثبت بیابان لوت در میراث جهانی یونسکو گفت‌وگو کردیم تا بیشتر اهمیت این ثبت جهانی و حفظ آن را گوشزد کنیم و ایزدی هم در این باره به «فرهیختگان» گفت: «معمولا وقتی یک اثر در یک کشور، حالا چه اثر طبیعی باشد، چه فرهنگی و تاریخی و هنری و... به مرحله ثبت جهانی می‌رسد، یعنی وارد فهرست میراث جهانی می‌شود، معنایش این است که این اثر مالکیتش مربوط به کشور ثبت‌کننده است، مثل همین جنگل‌های هیرکانی که دومین اثر ثبت‌شده کشور است یا مثلاً بیابان لوت که اولین اثر طبیعی کشور بود که ثبت شد، مالکیتش مربوط به ایران است اما از نظر جایگاه جهانی که پیدا می‌کند سایر ملل جهان نسبت به حفظ آن اثر حساس و حتی خودشان را ذی‌دخل می‌دانند و در واقع مدیریت اجرایی و نظارت این کار را هم برعهده سازمان یونسکو گذاشته‌اند. از طرف دیگر وقتی یک اثر وارد فهرست میراث جهانی می‌شود و به ثبت می‌رسد، این امر باعث معرفی هویت فرهنگی و طبیعی و تاریخی کشور می‌شود. درخصوص لوت و جنگل‌های هیرکانی هم همین‌طور است، اینها معرف هویت ممتاز ما در سطح جهان است که یک افتخار ملی برای ما در سطح جهانی دارد. ما در اقلیمی زندگی می‌کنیم که کهن بوم‌زادگان را داریم، کهن‌ترین میراث‌های جهانی در زیست‌کره مربوط به ماست، قدیمی‌ترین جایگاه‌های زندگی و تمدن بشری را داریم و... اینها همه هویت ملی و فرهنگی ما را تشکیل می‌دهد. وقتی این ثبت‌ها اتفاق افتاد معنایش این است که ما باید مدیریت مشارکت‌مدار حفاظت را برای حفظ آن اثر که جهان روی آن حساس است، تقویت کنیم. در این نگاه هرگونه بهره‌برداری که پیش از آن بوده و موجب تخریب هم شده بود، محکوم است.»

البته این همه ماجراهای انسان و طبیعت نیست، این تمام ماجرای ما و هیرکانی هم نبوده و نیست، شمال کشور و آن بافت پردرخت و پوشش گیاهی انبوه، گاهی قربانی آبشارهای مصنوعی، نظیر آنچه در ناهارخوران و در قلب جنگل‌های هیرکانی استان گلستان ایجاد شده، بوده و گاهی قربانی احداث صنعت آلوده و آب‌خوار و پتروشیمی و احداث راه‌آهن مثلاً بین‌المللی بدون خروجی مثبت و اثرگذار و اخیراً هم سواى این ماجرای داغ تله کابین، ماجرای انتقال آب خزر ملاحظات و نگرانی‌هایی را پیرامون حفظ این میراث ارزشمند ایجاد کرده است.

امتیازی را ندارد انجام ندهیم؟ ما امتیاز بسیار بزرگی را از ثبت جهانی این جنگل‌ها کسب کرده‌ایم، سال‌ها تلاش شده است تا بالاخره یونسکو با این ثبت موافقت کرده است، چرا به این راحتی این دستاورد را از دست دهیم. این یک کج‌سیلیقتی بزرگ است. هر دو مساله‌ای که عرض کردم در شمول وظایف سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری است که اگر اینها به درستی به وظایف خودشان عمل می‌کردند هرگز چنین مصیبتی اتفاق نمی‌افتاد. اصولاً این سازمان‌ها حیاط‌خلوت دولت‌ها هستند، تصور رایج این است. اگر این سازمان‌ها و مدیران‌شان مخالفتی با دولت‌ها و سیاست‌ها داشته باشند، عزل می‌شوند. اینها نمی‌توانند وکیل مدافع طبیعت کشور باشند، اینها حداکثر وکیل مدافع روسای خود هستند.»

هم‌یاد می‌شود. قبلاً از جدال بین‌المللی برای ثبت جنگل‌های هیرکانی سخن

گفتیم؛ جدالی که بین ایران و جمهوری آذربایجان برای ثبت این جنگل‌ها به نام‌شان بود. سال ۸۵ برای اولین بار جمهوری آذربایجان درخواستی را برای ثبت این جنگل‌ها به یونسکو ارائه کرد. بعد از بررسی کارشناسان و با توجه به این مساله که سهیم ۲۰ هزار هکتاری جمهوری آذربایجان در برابر سهم دومیلیون هکتاری ایران عدد قابل ملاحظه‌ای نیست، ثبت‌نام این جنگل را به‌عنوان یک میراث طبیعی جهانی تنها با نام یک کشور امکان پذیر ندانستند و این مساله آغاز ورود ایران و تلاش مسئولان و دغدغه‌مندان ایرانی برای ثبت مشترک نام این جنگل‌ها به نام ایران و آذربایجان بود. بالاخره بعد از

مجازی و صفحه‌های فعالان محیط‌زیستی دیده

بودم اما راحت از کنارش گذشتیم. راستش را بخواهید کمی هم عجیب و غیرقابل‌باور بود؛ شما با هزار مشقت، سال‌ها تلاش و آمد و رفت، جنگیدن و جدال بین‌المللی و خون دل خوردن، یک پهنه طبیعی را به ثبت جهانی برسانید

هنوز چهار، پنج ماهی از پایان تلاش دغدغه‌مندان محیط‌زیست و مسئولان کشور در ثبت جهانی جنگل‌های هیرکانی نمی‌گذرد. تیرماه امسال بود که بخشی از جنگل‌های هیرکانی شمال کشور در یونسکو به ثبت جهانی رسید. این جنگل‌ها که دارای مساحت ۵۵ هزار کیلومتر مربعی است، در حاشیه جنوبی و جنوب‌غربی خزر پنج استان از استان‌های شمالی کشور و بخش‌هایی از کشور آذربایجان را در بر گرفته است. قدمت ۴۰ میلیون ساله این جنگل‌ها که از منطقه هیرکان جمهوری آذربایجان آغاز می‌شود و تا استان گلستان در ایران امتداد می‌یابد یکی از مسائلی است که بر ارزشمندی این منطقه می‌افزاید، آنقدر این جنگل‌ها ارزشمند هستند که از آن به‌عنوان موزه طبیعی

مخالفت با احداث تله‌کابین روی میراث جهانی!

ابتدا این خبر دست به دست می‌شد که یکی از نمایندگان استان گلستان به ملاقات وزیر میراث فرهنگی و گردشگری رفته است و از او خواسته برای کمک به اجرای طرح تله کابین کبودال به خروج این منطقه از محدوده ثبت جهانی کمک کند! آنقدر خبر عجیب بود که در ابتدا واکنش خاصی نسبت به آن صورت نگیرد، اما رفته‌رفته و انتشار یک نامه در رسانه‌ها این خبر عجیب را تأیید کرد و پرده از یک اتفاق تاسف‌برانگیز دیگر در حوزه محیط‌زیست کشور برداشت. براساس آنچه در نامه منتشرشده وجود داشت، سه نفر از نمایندگان میراث فرهنگی، منابع طبیعی و محیط‌زیست در استان گلستان از استاندارد این استان خواستند موانع و مشکلات پیش‌روی نصب تله کابین کبودال در علی‌آبادکتول را رفع کند، چراکه بخشی از پارک جنگلی کبودال استان گلستان در منطقه ثبت جهانی‌شده جنگل‌های هیرکانی قرار دارد و همین مساله باعث شده شورای عالی و شهرسازی کشور با نصب تله کابین در آن مخالفت کند. واقعیت همین بود و واکنش‌ها هم بعد از این نامه شدت گرفت، فزانه صادق‌مالوارجد، دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در ارتباط با مخالفت این شورا با احداث تله کابین در این محدوده در گفت‌وگو با رسانه‌ها خاطرنشان کرد: «در جلسه ۱۷ اسفند ۹۳ که همه مسئولان مرتبط با منابع طبیعی، فضای سبز و جنگل‌ها خدمت مقام معظم رهبری حضور پیدا کردند، تاکید رهبری بر حفاظت ویژه از فضای سبز، جنگل‌ها و منابع طبیعی بود و گفته شد که حتی حوزه علمیه هم ساخته نشود؛ تله کابین هم اگر بخواهد ضرر و زیان و آسیبی به جنگل‌های ثبت‌شده هیرکانی با قدمت یک‌میلیون سال داشته باشد، قطعاً در برابر آن موضع گرفته خواهد شد.» پس از این، اما واکنش‌ها و اقدامات موافقان احداث تله کابین در این محدوده ادامه یافت. روز گذشته کامران پورمقدم، رئیس شورای عالی جنگل هم در ارتباط با حواشی ایجادشده پیرامون احداث تله کابین در محدوده جنگل‌های جهانی هیرکانی گفت: «در گذشته پارک جنگلی کبودال در علی‌آبادکتول محدوده کوچکی بود که توسط شهرداری استان اداره می‌شد. پس از مدتی تصمیم گرفتند از ظرفیت‌های تفرجی این پارک جنگلی استفاده کنند، بنابراین تقریباً در سال ۹۲ طرحی را در قالب پارک جنگلی به شورای عالی وقت سازمان جنگل‌ها فرستادند که با تعیین شرط و شروطی با کلیت آن موافقت شد. به‌موازات این اقدام پیگیری‌هایی برای ثبت جهانی جنگل‌های هیرکانی درحال انجام بود. از این‌رو بازدیدکنندگان و ارزیابان یونسکو بخشی از جنگل‌های هیرکانی را به‌عنوان هسته مرکزی حفاظت و ثبت میراث جهانی انتخاب کردند و اطراف آن را به‌عنوان زون (منطقه) ضربه‌گیر تعیین کردند که بخشی از پارک جنگلی کبودال نیز در زون ضربه‌گیر قرار گرفت. در زون ضربه‌گیر میراث جهانی ثبت‌شده جنگل‌های هیرکانی می‌توان اقدامات اکوتوریسم سازگار با طبیعت را با رعایت استانداردها انجام داد. با این وجود نصب تله کابین در این پارک جنگلی می‌تواند شاخص‌های ثبت جهانی را با مشکل مواجه کند. سازمان جنگل‌ها و شورای عالی جنگل به هیچ‌عنوان از طرحی که به ثبت جهانی جنگل‌های هیرکانی آسیب وارد کند، حمایت نخواهد کرد. طرح اولیه برای نصب این تله کابین به شرط عدم قطع درخت و قرار بود از فناوری‌هایی استفاده کنند که به جنگل آسیب وارد نکند اما پس از ثبت جهانی نمی‌توان به راحتی با نصب تله کابین در این محدوده موافقت کرد. پیشنهاد سه دستگاه محیط‌زیست، منابع طبیعی و میراث فرهنگی این بود که محدوده نصب تله کابین تغییر پیدا کند اما در شورای راهبردی مدیریت ثبت جهانی با این پیشنهاد نیز مخالفت شد.»

تخریب جنگل‌های هیرکانی یک کج‌سیلیقتی بزرگ است

آنچه تا اینجا نوشتیم یک روی سکه و به پهنانه اقدامی عجیب است که هنوز اجرایی نشده اما گمانه‌زنی‌ها و تقلای مسئولان استانی در گلستان آدمی را به فکر فرو می‌برد و نگران می‌کند. روی دیگر سکه ماجرا اما به سازمان حفاظت محیط‌زیست باز می‌گردد. به اذعان فعالان و کنشگران محیط‌زیستی هنوز ارزیابی زیست محیطی این ماجرا منتشر نشده و کم و کیف ماجرا مشخص نیست. هنوز مشخص نیست پاسخ استاندارد به آن نامه کذایی چه بوده است و... . جمیع این ابهامات و بررسی وضعیت موجود باعث شد با محمد درویش یکی از مدیران سابق سازمان حفاظت محیط‌زیست و فعال محیط‌زیستی گفت‌وگویی داشته باشیم. او در این باره به «فرهیختگان» گفت: «اولین اقدامی که در این رابطه باید می‌شد این بود که این پروژه باید دارای ارزیابی محیط‌زیستی می‌بود و گزارش ارزیابی